

مکاشفه حیات خلوت علم معامله است

علم معامله دارای دو بخش است که در بخش ظاهری به وظایف مکلفین می‌پردازد و در باطن منوط به معرفت احوال قلوب است و می‌توان گفت مکاشفه حیات خلوت علم معامله است که بسیاری از امور در آن جمع شده است و هر انسانی باید برای جدایی از مقدس‌مآبی، گاهی به این حیات خلوت سر بزند.



علم معامله دارای دو بخش است که در بخش ظاهری به وظایف مکلفین می‌پردازد و در باطن منوط به معرفت احوال قلوب است و می‌توان گفت مکاشفه حیات خلوت علم معامله است که بسیاری از امور در آن جمع شده است و هر انسانی باید برای جدایی از مقدس‌مآبی، گاهی به این حیات خلوت سر بزند.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین سیدعبدالله فاطمی‌نیا، در مراسم پنجمین سالگرد ارتحال آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس، به بیان سخنانی درباره شخصیت برجسته آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس پرداخت و اظهار کرد: عامه مردم ایشان را بیشتر به تقوا و عرفان می‌شناسند، اما باید دانست که این بزرگوار از مجتهدین شیعه بودند و بزرگان حوزه، ایشان را از کبار علما می‌دانستند.

وی با بیان این‌که آیت‌الله حق‌شناس از جمله افرادی بود که جمع میان علم و معرفت کرده بود، افزود: ایشان جزو سلسله‌ای بودند که این جمع را صورت می‌دادند و به معرفت در کنار علم اهمیت فراوان می‌دادند و آیت‌الله بهجت، خاتم این سلسله بود.

فاطمی‌نیا با اشاره به این‌که اخلاقیون معارف اسلامی را به دو بخش مکاشفه و معامله تقسیم کرده‌اند، گفت: علمای اخلاق در مورد بخش مکاشفه گفته‌اند که ما مجاز نیستیم که آن را در کتاب توضیح و تفصیل دهیم و ائمه معصومین(ع) نیز درباره این مسائل تنها با خواص سخن گفته‌اند یا به اشارت گفته‌اند که اهلش بفهمد.

وی در ادامه افزود: علم معامله نیز دارای دو بخش است که در بخش ظاهری به وظایف مکلفین می‌پردازد و در باطن منوط به معرفت احوال قلوب است و می‌توان گفت مکاشفه حیات خلوت علم معامله است که بسیاری از امور در آن جمع شده است و هر انسانی باید برای جدایی از مقدس‌مآبی، گاهی به این حیات خلوت سر بزند.

این استاد اخلاق به دو رویکرد افراطی و تفریطی در خصوص مکاشفات اشاره کرد و گفت: عده‌ای در این خصوص افراط کرده‌اند و هرچه که می‌شنوند می‌پذیرند. اما در مقابل عده‌ای هم هستند که به دلیل همین افراط‌ها و مشاهده کرامت‌های جعلی، از کرامت و مکاشفه فرار می‌کنند و آن را نمی‌پذیرند.

وی ادامه داد: کسی که منکر کرامت و شهود شود، از دانش و سواد بی‌بهره است. حتی علامه طباطبایی با خود بنده گفت که زمخشری در رد کرامات، غلط گفته است و در ظواهر مانده است. حال آن‌که زمخشری محقق برجسته‌ای است و تفسیر عظیمی بر قرآن دارد، اما به دلیل تکیه بر ظواهر دچار این اشتباه شده است.

فاطمی‌نیا در ادامه به دو جنبه ویژه از شخصیت آیت‌الله حق‌شناس اشاره کرد و گفت: ایشان با هر کس به گونه‌ای که درخور شرایط و فهم او باشد، برخورد می‌کرد و چنان تأثیر عمیقی بر او می‌گذاشت که او را در مسائل الهی يك قدم به پیش می‌برد. ایشان همچنین مشوق بسیار خوبی بود که شوق زیادی در افراد برای حرکت در مسیر کمال ایجاد می‌کرد.

وی با بیان این‌که مقامات عالی این عارف واصل بسیار بلند بود، افزود: این مقام عجیب است که او مخاطب خود را می‌شناخت و مطابق با احوال او، چیزی به او می‌آموخت و این مقام را به هرکسی نمی‌دهند. اگر اسلام در ظواهر خلاصه می‌شد، آیت‌الله بهجت و آیت‌الله حق‌شناس پدید نمی‌آمدند.

این استاد عرفان گفت: اینجانب شخصا کراماتی را از شیخ عبدالکریم حق‌شناس دیده‌ام که نمی‌توانم همه چیز را بیان کنم. اما کسی را می‌شناختم که از ایشان طلب دعا برای شفای مادرش کرده بود که بعد از مدتی آقای حق‌شناس از مشهد با این جوان تماس گرفته و با قاطعیت گفته بود: مادرت خوب شد.